



Hijab Style: A Phenomenon for Honoring Women or Merely Adorning Them

Sakineh Haghghat Talab Bijarpasi¹

DOR: 20.1001.1.26454955.1404.20.72.2.0

Abstract

Hijab style, as a growing cultural phenomenon among Muslim women in contemporary societies, has raised a wide range of questions and sparked cultural, social, and religious debates. This study aims to examine two distinct perspectives on this concept: whether hijab style functions as a means to honor women or is considered merely a tool for display and adornment. To this end, the study first explores the conceptualization of hijab style, followed by a brief review of hijab in past cultures, ethnicities, and religions. Furthermore, the two contrasting views, hijab as a tool of honor versus adornment, are analyzed, and the social and cultural aspects of hijab style are discussed. The study also examines the impact of consumerism and commercialization on perceptions of hijab and modesty. Another focus of this article is understanding how hijab style influences the personal and social identity of Muslim women. Finally, by emphasizing methods that help preserve the dignity of women through hijab, the study provides strategies to prevent the distortion of the higher purpose of hijab and modesty.

Keywords: Hijab style; Honor versus adornment; Muslim women; Consumerism and commercialization; Modesty and hijab.

Research Paper

Received:
05 January 2025

Revised:
04 February 2023

Accepted:
23 September 2025

Published:
29 September 2025

P.P: 237-257

ISSN: 2645-4955
E-ISSN: 2645-5269



1. Assistant Professor, Department of Education, Khajeh Nasiruddin Toosi University of Technology, Tehran, Iran. haghghattalab@kntu.ac.ir

Cite this Paper: Haghghat Talab Bijarpasi'S.(2025). Hijab Style: A Phenomenon for Honoring Women or Merely Adorning Them, The Women and Families Cultural-Educational, 20(72), 237–257.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۷

صص: ۲۳۷-۲۵۷

شابا چاپ: ۲۶۴۵-۴۹۵۵

الکد و نیک: ۲۶۴۵-۵۲۶۹



حجاب استایل پدیده‌ای در جهت تکریم زنان یا تزئین آنها

سکینه حقیقت طلب بیچارسی^۱

چکیده

حجاب استایل به عنوان یک پدیده فرهنگی رو به رشد در جوامع معاصر در میان زنان مسلمان، دامنه گسترده‌ای از پرسش‌ها را برانگیخته و موجب بحث‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی شده است. هدف این پژوهش بررسی دو دیدگاه متمایز درباره‌ی این مفهوم است: آیا حجاب استایل به عنوان ابزاری برای تکریم زنان عمل می‌کند یا به مثابه‌ی ابزاری برای جلوه‌گری و تزئین آن‌ها در نظر گرفته می‌شود؟ به این منظور ابتدا به مفهوم‌شناسی حجاب استایل پرداخته، سپس مروری کوتاه بر حجاب در اقوام و فرهنگ و ادیان گذشته می‌کنیم. به علاوه دو دیدگاه متمایز درباره‌ی حجاب به عنوان ابزار تکریم یا تزئین زنان را بررسی کرده، سپس به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی حجاب استایل اشاره می‌کنیم. در ادامه به تأثیرات مصرف‌گرایی و تجاری‌سازی بر تلقی از حجاب و عفاف می‌پردازیم. درک چگونگی تأثیر حجاب استایل بر هویت شخصی و اجتماعی زنان مسلمان موضوع دیگری است که در این مقاله مورد توجه قرار می‌گیرد. در پایان، با تأکید بر روش‌هایی که به حفظ تکریم زنان در پرتو حجاب کمک می‌کنند، راهکارهایی برای جلوگیری از تحریف مقصود والای حجاب و عفاف ارائه خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: حجاب استایل، تکریم در برابر تزئین، زنان مسلمان، مصرف‌گرایی و تجاری‌سازی، عفاف و حجاب.

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه معارف، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، تهران، ایران.

haghighattalab@kntu.ac.ir

استناد: حقیقت طلب بیچارسی، سکینه (۱۴۰۴). حجاب استایل پدیده‌ای در جهت تکریم زنان یا تزئین آنها؛ فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده،

DOR: 20.1001.1.26454955.1404.20.72.2.0 . ۲۳۷-۲۵۷، (۷۲)۲۰

نویسندگان ©

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

۱. مقدمه و بیان مسئله

در عرصه‌ی تراحم فرهنگ‌ها و با تأثیرپذیری از جریان‌های جهانی‌سازی، پدیده "حجاب استایل" به عنوان پدیده‌ی فرهنگی، اجتماعی و دینی در میان زنان مسلمان شکل گرفته و به سرعت در حال پیشروی است. حجاب استایل به معنای تلفیقی از پوشش اسلامی با سبک‌های مد و زیبایی است که در عصر حاضر با اشکال و رویکردهای متنوعی همراه شده است. درک این پدیده فراتر از مرزهای سنت و مدرنیته، افزون بر وجوه فرهنگی، دارای جنبه‌های متعدد روانشناختی و اجتماعی است که سبک زندگی، تصویر ذهنی از خود، و ارتباط فردی و اجتماعی زنان مسلمان را شکل می‌دهد. "حجاب استایل" یک پدیده رو به رشد است که در آن حجاب فراتر از یک امر دینی، به عنوان نشانه‌ای از سبک و سیاق خاص شخصیتی و اجتماعی در برخی زنان جامعه درآمده است. این مفهوم جدید، واکنش‌های گوناگونی را از وجوه مختلف دینی، اجتماعی و... به دنبال داشته است. پرسش اصلی این است که آیا این نوع حجاب، عفاف و اخلاقیات را تکریم می‌کند یا در جهت زیبایی‌جویی و خودنمایی گام برمی‌دارد؟ منتقدان بر این باورند که حجاب استایل‌ها عفاف را نشانه گرفته‌اند و چون آتشی در زیر خاکستر هستند که با تبلیغ شکلهای متنوع از حجاب در واقع در حال تحریف آن هستند. همچنین رویکرد تجاری‌سازی و مصرف‌گرایانه حجاب، عملاً منجر به قربانی کردن مفهوم اصیل آن و نقل آن به عرصه مد و فشن شده است. این مسئله، به ویژه در ارتباط با فضای مجازی و نفوذ آن در زندگی اجتماعی امروز، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. از نظر منتقدان، حجاب استایل در حال تبدیل شدن به مظهري از تقلید نابجا و آسیب به نقش حجاب در حفظ حیا و حیات دینی زنان است.

هدف این پژوهش بررسی دو دیدگاه متمایز درباره‌ی حجاب استایل است. اینکه آیا حجاب ابزار تکریم زن یا ابزار تزئین و جلوه‌گری اوست. براین اساس در این مقاله، ابتدا به بررسی مفاهیم "حجاب" و "استایل" پرداخته می‌شود. سپس مختصری از تاریخچه و ابعاد مختلف حجاب در اقوام و فرهنگ‌های مختلف در گذر زمان مورد کاوش قرار می‌گیرد تا به درک عمیق‌تری از موقعیت فرهنگی و دینی آن دست یابیم. در ادامه به بررسی دو دیدگاه متفاوت در مورد حجاب می‌پردازیم: حجاب به مثابه ابزاری برای تکریم و حفاظت از زنان یا حجاب به عنوان وسیله‌ای برای زیباسازی، جلوه‌گری و تزئین آنها. همچنین تأثیر مصرف‌گرایی و تجاری‌سازی در تصور و

واقعیت حجاب و عفاف مورد بحث قرار می‌گیرد. در نهایت راهکارهایی برای پاسخ به چالش‌هایی که پدیده حجاب استایل در جامعه اسلامی به وجود آورده است، پیشنهاد می‌گردد.

۲. مفهوم‌شناسی حجاب استایل

حجاب استایل از دو واژه "حجاب" و "استایل" تشکیل شده است که لازم است ابتدا به بررسی معنای این دو واژه پرداخته سپس به مفهوم‌شناسی حجاب استایل پردازیم.

■ معنای لغوی حجاب

"حجاب" در لغت به معنی چیزی است که در میان دو شیء «حائل» می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ص ۲۹۸)؛ در قرآن مجید نیز این کلمه همه جا به معنی «پرده» یا حائل به کار رفته است، مانند آیه ۴۵ سوره اسراء: «جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا»؛ (ما در میان تو و کسانی که ایمان به آخرت نمی‌آورند پرده پوشیده‌ای قرار دادیم). همچنین در آیه ۵۱ سوره شوری آمده است: «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ»؛ (برای هیچ انسانی ممکن نیست که خداوند با او سخن بگوید مگر از طریق وحی یا از پشت پرده (غیب)). در آیه ۳۲ سوره ص نیز می‌خوانیم: «حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ»؛ (تا موقعی که خورشید در پشت پرده افق پنهان شد). فقها در مورد پوشش زنان معمولاً کلمه «ستر» را به کار می‌برند و پوشیدن دست و صورت هم با تعبیر «ستر الوجه و الکفین» مورد اختلاف فقها می‌باشد. در روایات اسلامی نیز همین تعبیر (ستر) یا شبیه آن وارد شده است، و به کار رفتن کلمه «حجاب» در پوشش زنان، اصطلاحی است که بیشتر در عصر ما به کار برده می‌شود و در تواریخ و روایات، اگر دیده شود بسیار کم است (آیین رحمت، بی تا).

■ معنای اصطلاحی حجاب

امروزه در میان مسلمانان فارسی زبان، مراد از حجاب، «پوشش اسلامی» است، و مراد از پوشش اسلامی زن، به عنوان یکی از احکام و جویب اسلام، این است که زن، هنگام معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۴۰۲). بنابراین حجاب در اصطلاح اسلامی به پوششی اطلاق می‌شود که به منظور حفظ پوشیدگی و عفاف زنان مسلمان در مقابل نامحرمان است. از دیدگاه دینی، حجاب فراتر از یک مسئله

ظاهری است و تأکید بر حفظ حریم شخصی، حیا، عفاف و اخلاقیات دارد. این تأکید بر حجاب در اسلام نشان می‌دهد که این دین برای حضور انسانی زن و فعالیت او در اجتماع اهمیت خاصی قائل شده است (غروی نائینی و عامری، ۲۰۰۷).

نکته قابل توجه این است که حجاب در دنیای امروزی و با مختصات جدید بار معنایی وسیعی را در خود جای داده و در واقع به نماد اسلامی و شاخص زن مسلمان از دیگر زنان بدل گردیده است؛ نه اینکه صرفاً حکمی شرعی در کنار دیگر احکام دینی باشد. این امر اهمیت حجاب و لزوم پرداختن به آن را بیش از پیش ایجاب می‌نماید.

■ معنای لغوی استایل

"استایل" (style) یک لغت انگلیسی است که در کاربرد اسمی آن به معنای سبک، روش، شیوه، سلیقه، سیاق و... و در کاربرد فعلی آن به معنای متداول شدن، مد کردن و نامیدن است (Oxford Languages). معنای کلی کلمه استایل سبک و مدل است و تنها کاربرد آن دو دنیای مد نیست. کلمه استایل به معنای یک سبک مشخص در لباس، موزیک، دکوراسیون و حتی زندگی می‌تواند باشد. وقتی درباره استایل یک فرد سخن می‌گوییم، ظاهر بیرونی فرد که شامل سبک لباس پوشیدن او هم می‌شود را در نظر داریم. لذا استایل ترکیبی از نوع حرکات بدن، حرف زدن، لباس پوشیدن و... فرد است. در واقع همه‌ی روش‌هایی که یک فرد سعی می‌کند از آن طریق، آنچه در شخصیت و درون خود دارد را به صورت بیرونی نشان دهد که می‌تواند شامل احساسات، علائق، افکار و ارزش‌های مورد قبول فرد نیز باشد (Davis, 1994).

■ معنای حجاب استایل

حجاب استایل، سبکی از پوشش است که در آن، علاوه بر رعایت پوشش بدن، به زیبایی و جذابیت ظاهری نیز توجه می‌شود. با توجه به معنای لغوی استایل، وقتی این واژه در کنار واژه حجاب قرار می‌گیرد به شیوه و سبک پوششی گفته می‌شود که بیانگر شخصیت و سلیقه و بیان احساسات و ارزش‌های مورد قبول فرد است (Yen, Lee and Tajudin, 2018).

در دهه ۹۰ شمسی، به دنبال اشباع بازار پوشاک و افزایش تقاضا برای تنوع بیشتر در پوشاک حجایی، طراحان لباس به تدریج به زمینه طراحی و تولید پوشاک مذهبی وارد شدند تا به نیازهای

مشتریان پاسخ دهند و محصولات متنوعی را ارائه کنند. همزمان با این اتفاق، بلاگرها و استایلیست‌ها نیز وارد این حوزه شده و به تبلیغ این نوع پوشش حجاب پرداختند. آنها به حدی پیش رفتند که برخی از فروشگاه‌های پوشاک مذهبی برای تبلیغ محصولات خود از خدمات بلاگرها استفاده می‌کردند و در برخی موارد، هزینه‌های بالایی را برای این تبلیغات پرداخت می‌کردند. با گسترش پدیده حجاب استایل، برخی افراد تحت تأثیر حجاب استایل‌ها قرار گرفته و سعی در تقلید از زندگی و سبک زندگی آنها را داشتند (کامپرس، ۱۴۰۲). با این حال، برخی اعتقاد دارند که حجاب استایل بیشتر بر تبلیغات و مصرف‌گرایی تمرکز دارد و با اصل و مفهوم اصلی حجاب در تناقض است (سبک زندگی، ۱۴۰۲).

■ حجاب و تبرّج

از دیگر مفاهیمی که برای روشن شدن مفهوم حجاب استایل باید از آن سخن بگوییم مفهوم "تبرّج" است. تبرّج، واژه‌ای قرآنی است به معنای خودنمایی زنان و اینکه زیبایی و زینتشان را آشکار کنند (ابن فارس، ۱۹۷۹). در قرآن کریم به موضوع تبرّج اشاره و از خصلت‌های زنان عصر جاهلی دانسته شده است (قرآن کریم، سوره احزاب، آیه ۳۳) که با آرایش و لباس‌های زینتی در مجامع عمومی ظاهر شده و خود را به مردان نشان می‌دادند (طریحی، ۱۳۷۵). بنابر آیات و احادیث، فقها تبرّج را حرام شمرده‌اند، به این معنا که هرگونه عملی که زن به منظور خودنمایی، جلوه‌گری، جلب توجه مردان بیگانه و تأثیر در دل آنان انجام دهد، مصداق تبرّج نهی شده در قرآن است؛ هرچند که نمونه‌ها و مصادیق آن غالباً به تناسب عادات و فرهنگ‌ها دستخوش تغییر است (زحیلی، ج ۹، ص ۶۸۵۲، ۱۴۱۸).

با این وصف، تبرّج با پوشش شرعی (حجاب) قابل جمع است؛ بدین معنا که فرد می‌تواند حجاب شرعی داشته باشد، اما به گونه‌ای خود را بیاراید که توجه دیگران را به خود جلب کرده و چشم‌ها را خیره کند که مصداق تبرّج است؛ اما آنچه به هیچ وجه با تبرّج قابل جمع نیست، همان عفاف و کنترل تمایلات نفسانی است (غروی نائینی و عامری، ۱۳۸۶). بسیاری معتقدند پدیده حجاب استایل در کشور ما، رنگ و روی تبرّج دارد و در مقالات و سایت‌های متعدد (ایسنا، ۱۴۰۲) پدیده حجاب استایل به عنوان مصداقی از تبرّج، مورد نقد قرار گرفته است (جوان، ۱۴۰۲) (ایرنا، ۱۴۰۲).

۳. حجاب در اقوام گذشته و فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف

حجاب به عنوان یک عنصر فرهنگی و اغلب مذهبی، دارای پیشینه‌ای طولانی و متفاوت در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف است. به‌طور کلی، حجاب به پوششی اشاره دارد که برای پوشاندن بخشی از بدن یا صورت استفاده می‌شود. در اقوام، ادیان و فرهنگ‌های متعددی از جمله اسلام، مسیحیت، یهودیت، هندویسم و دیگر مذاهب، آداب و رسوم و الزاماتی برای پوشش وجود دارد که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف تغییر یافته است.

■ پوشش زنان در ایران پیش از ورود اسلام

در ایران پیش از اسلام، حفظ حجاب و پوشش مناسب توسط زنان به عنوان بخشی از وظایف اجتماعی و اخلاقی‌شان درک می‌شده است. شاهنامه، به عنوان منبع مستند تاریخی، پوشیدگی و ویژگی‌های فضایل اخلاقی زنان را تأکید می‌کند و زنانی که از این مسیر پیروی می‌کردند در جامعه ستایش و تقدیس می‌شدند (موسوی، ۱۳۸۸). پوشش مناسب تنها به شهرهای متمدن محدود نمانده بلکه در فرهنگ عشایر نیز، هم مردان و هم زنان ملزم به حفظ پوشش بودند (جمالی‌زاده، ۱۳۸۹). بر اساس شواهد باستان‌شناختی، در دوره‌های مختلف تاریخی ایران از عیلامیان گرفته تا هخامنشیان و دوران ساسانی، پوشش‌های زنانه طولانی و پوشا بوده و حتی گاهی اوقات شامل نقاب نیز می‌شده است (اجتهادی، ۱۳۸۲) (آیین رحمت، بی تا). این موضوع نشان می‌دهد که ارزش‌هایی مانند حیا و حجاب ایرانی بخشی اساسی از فرهنگ ایران باستان را تشکیل می‌داده و در عرصه‌های مختلف اجتماعی، از جوامع شهری گرفته تا ایل نشینان، اهمیت داشته است. این رسم از دوره‌های اولیه تاریخی تا دوران ساسانیان ادامه یافته و در طول این مدت با پذیرش انواع مختلفی از پوشش بر اساس مقتضیات زمان، به فرهنگ پوشیدگی و حفظ حریم خصوصی در جامعه ایرانی باستان تأکید می‌شده است.

■ پوشش زنان در اسپانیا، فرانسه، انگلیس و یونان

در اسپانیا در قرون میانه مردان و زنان معمولاً علاوه بر پوشش‌هایی که روی بدن را می‌گرفت، شلوار نیز می‌پوشیدند. بعضی زنان روی آن شلوارها از دامن‌های پرچین و کوتاه تا زانو نیز استفاده

می‌کردند. حتی گروهی از زنان این سرزمین از پارچه بلندی شیه چادر نیز استفاده می‌کردند. چادری بلند که تنها شکافی برای دیدن داشت (ترنویل کاکس، ۱۳۹۷).

در میانه‌های قرن شانزدهم، زنان به خاطر شرافت خانوادگی شان بر حفظ و پوشیدگی شان مداومت می‌ورزیدند. در این دوره زنان عقیف در کالسکه‌های درسته تردد می‌کردند (دورانت، ۱۳۳۷). در فرانسه و در قرون میانه مردان و زنان فرانسوی از لباس‌های طرح رومی استفاده می‌کردند. در این دوره زنان انتهای شل‌های خود را به دست می‌گرفتند یا آن را به دور بدن می‌پیچیدند. در سده پانزدهم سر پوش عمامه شکلی نیز از سوی زنان استفاده می‌شد که موها را به طور کامل می‌پوشاند. در قرن نوزدهم زنان انگلیسی برای دیده نشدن اندام شان، چندین زیردامنی به تن می‌کردند و روی یقه باز پیراهن‌های شان نیز از چندین ردیف تور چین دار استفاده می‌کردند. در آن زمان زنان لوازم آرایش مصرف نمی‌کردند (ترنویل کاکس، ۱۳۹۷) (آیین رحمت، بی تا).

ویل دورانت در بحث از وجود حجاب در بین زنان یونان باستان تصریح می‌کند که: «زنان فقط در صورتی می‌توانستند خویشان و دوستان خود را ملاقات کنند و در جشن‌های مذهبی و تماشاخانه‌ها حضور یابند که کاملاً در حجاب باشند. از یکی از فلاسفه این دوران نقل شده است که نام یک زن پاک دامن را نیز چون شخص او باید در خانه پنهان داشت (دورانت، ۱۳۳۷).

▪ پوشش در عربستان پیش از ظهور اسلام

در عربستان پیش از اسلام، پوشش و حجاب وابسته به طبقات اجتماعی و وضعیت اقتصادی بود. ثروتمندان به پوشش‌های مختلف برای مراسم‌های مختلف دسترسی داشتند، در حالی که عموم مردم تنها با لباس‌های ساده و اغلب کهنه، اعضای بدن خود را می‌پوشاندند (جواد، ج ۹، ص ۴۷، ۱۴۲۲). همچنین دختران جوان با رسیدن به سن بلوغ، لباس‌های بلندتری می‌پوشیدند که به عنوان نشانه‌ای از بزرگسالی تلقی می‌شد (ابن سعد، ج ۱، ص ۷۰، ۱۹۶۸).

استفاده از حجاب در عربستان پیش از اسلام نشان می‌دهد که زنان سعی در پوشیدگی داشتند حتی پیش از اینکه حجاب به عنوان یک الزام دینی معرفی شود. استفاده از روسری و نقاب در بین زنان عرب رایج بوده که بخش‌های بیشتری از بدنشان را پوشانده و احتمالاً بازتابی از مراتب اجتماعی یا خودداری از جلب توجه بی‌مورد بوده است. با نزول آیات حجاب در قرآن، استانداردهای جدیدی برای پوشیدگی زنان مسلمان مشخص شد که شامل پوشاندن قسمت‌های بیشتری از بدن می‌شد (مکارم شیرازی، ج ۱۴، ص ۴۴۰، ۱۳۷۱).

■ حجاب در برخی مذاهب و فرهنگ‌ها

حجاب، در فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف، تفاوت‌های زیادی دارد و می‌تواند به شکل‌ها و مفاهیم متنوعی بیان شود. همچنین، حجاب تأثیر قابل توجهی بر مفهوم تکریم زن در این فرهنگ‌ها و مذاهب دارد. در زیر به برخی از مثال‌هایی از تفاوت‌های حجاب در فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف اشاره می‌کنیم:

● اسلام:

در اسلام، حجاب به عنوان بخشی از شریعت و نمادی از اعتقادات دینی و از ضروریات دین است. ریشه‌های حجاب در اسلام با آیات قرآن و روایات اسلامی مرتبط است که به زنان مسلمان دستور می‌دهد تا جنبه‌هایی از ظاهر خود به ویژه مو و بدن را از نامحرمان بپوشانند (قرآن کریم، سوره نور، آیه ۳۱). مفهوم حجاب در میان جوامع مسلمان متفاوت است و در طیف گسترده‌ای از پوشش‌های ساده تا پوشش کامل بدن به جز دست‌ها و صورت متغیر است. محدوده پوشش زنان و افرادی که این پوشش باید در حضور آنها رعایت شود، در بیان نبی اکرم اینگونه است: "نمایان ساختن تمام بدن برای زوج رواست و سر و گردن را می‌توان در برابر پسر و برادر آشکار کرد، اما در برابر نامحرم باید از چهار پوشش استفاده کرد: پیراهن، روسری، پوششی وسیع تر از روسری که بر روی سینه می‌افتد و چادر" (فیض کاشانی، ج ۳، ص ۴۳۰، ۱۴۱۵).

در دین اسلام، حجاب، رابطه مستقیمی با عفت و حیاء دارد. طبق فرمایش حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) الْعِفَّةُ رَأْسُ كُلِّ خَيْرٍ (تمیمی آمدی، ص ۱۹۳، ۱۴۱۰) و نیز به همین دلیل نیز امام حسن (علیه السلام) در تأکید بر حفظ حیاء، بی‌حیایی را برابر با بی‌دینی دانسته و فرموده اند: لَا حَيَاءَ لِمَنْ لَا دِينَ لَهُ (اربلی، ج ۱، ص ۵۷۱، ۱۳۸۱). همچنین پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) در این باره می‌فرمایند: خداوند انسان با حیای بردبار پاک دامن را که پاکدامنی می‌ورزد، دوست دارد "إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحَيَّيَّ الْحَلِيمَ الْعَفِيفَ الْمُتَعَفِّفَ" (الکافی، ج ۵، ص ۱۱۲، ۱۴۰۷). هدف اصلی حجاب در اسلام، حفظ حیثیت و ارزش زن است و به عنوان یک نشانه تعلق و ارادت به دین و فرمان خداوند در نظر گرفته می‌شود و به عنوان تکریم زن در این فرهنگ محسوب می‌شود.

• مسیحیت:

در مسیحیت، حجاب به صورتی متفاوت نسبت به اسلام تعبیر می‌شود. در برخی از جامعه‌های مسیحی، حجاب به عنوان یک سنت و فرهنگ مرتبط با احترام به خداوند و باورهای مذهبی تلقی می‌شود. در مسیحیت، زنان در طی قرون وسطی معمولاً سر خود را می‌پوشاندند، و این سنت بر پایه تفسیرهایی از کتاب مقدس بود، در بسیاری از کلیساها تا دهه‌های اخیر، زنان هنگام حضور در کلیسا از کلاه و روسری استفاده می‌کردند.

در رساله «پطرس رسول» در مورد نحوه پوشش و آرایش زنان مسیحی آمده است: «و شما را زینت ظاهری نباشد، از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشش لباس، بلکه انسانیت قلبی در لباس غیرفساد [باید در میان شما مراعات گردد]؛ روح تعلیم و آرام که نزد خدا گرانبهاست، زیرا بدین گونه زنان مقدس در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشان را زینت [باطنی] می‌کردند و شوهران خود را اطاعت می‌کردند، مانند ساره که ابراهیم را مطیع می‌بود و او را آقا می‌خواند و شما دختران او شده اید (انجیل، فقرات ۱ تا ۶). پطرس در این کلام به دو نکته «نداشتن زینت ظاهری» و «استفاده از لباس غیرفساد» در باب نحوه پوشش اشاره کرده که هر دو مخصوص زنان مقدس و مؤمن است. در بررسی سیر تاریخی پوشش راهبه‌های مسیحی نیز لازم به ذکر است که همه آنها از گذشته تا عصر حاضر سادگی و دوری از زینت و آرایش ظاهری را همراه با پوشیدگی اندام حفظ کرده و در روابط با مردان همواره حدود شرعی را حفظ می‌نمایند (آیین رحمت، بی تا). لباس راهبه‌ها از یک سرپوش سفید در زیر همراه با یک سرپوش بلندتر و به رنگ تیره تر تشکیل شده است. پیراهن آنها نیز بلند و تا روی پا است و جورایی به رنگ تیره و ضخیم نیز می‌پوشند. این نوع پوشش راهبگان حکایت از حدود حجاب سنتی بانوان مسیحی دارد. شمایل حضرت مریم، نیز که همواره با پوشش سراسری به تصویر کشیده شده است، مؤید این مطلب است (ذبیحی و موسوی، ۱۳۸۶).

• یهودیت:

در یهودیت، تقیدات مختلفی بر پوشش و حجاب زنان وجود دارد. زنان متأهل یهودی تا گذشته‌های نه چندان دور، تمایل داشتند در عموم محیط‌ها موی سر خود را بپوشانند. این سنن در

برخی جوامع یهودی محافظه‌کار همچنان پابرجا است. پوشش و حجاب زنان در دین یهودیت بر اساس تفاسیر کتاب مقدس و شریعت دارای جایگاه ویژه‌ای بوده است. ازدواج اسحاق با رفقه و استفاده اش از روبنده در زمان ملاقات (تورات، فقرات ۶۴ و ۶۵) و توصیف عروس یهودا با چادر و روبنده نشان دهنده سابقه و اهمیت حجاب است.

احکام تلمود، شوهر را در صورت بی‌حجابی همسر بدون چیزی بر سر، مجاز به طلاق دادن می‌داند (تلمود، باب ۷، فقره ۶)، و تنبیه خطاکاران با برداشتن موقت حجاب آنها نشان از جایگاه اجتماعی و اخلاقی حجاب دارد. در ادبیات سنتی یهود، قوانینی بر پوشش زنان وجود دارد که پوشاندن کامل بدن و موها و رعایت پوششی که موجب جلب توجه نشود را ملزوم کرده است (مناخیم، ۱۹۸۶) (آیین رحمت، بی تا). ویل دورانت در مورد وضع زنان یهود در قرون وسطی در کتاب تاریخ تمدن می‌نویسد: «در طول قرون وسطی یهودیان همچنان زنان خویش را با لباس‌های فاخر می‌آراستند لکن به آنها اجازه نمی‌دادند که با سر عریان به میان مردم روند (دورانت، ۱۳۳۷)». حجاب در بسیاری از فرهنگ‌های غیرابراهیمی نیز وجود داشته است، به طور مثال، در جوامع هند و چین باستان، پوشاندن سر و بدن نشانه‌ای از پاک‌دامنی و احترام بوده است. در امپراطوری بیزانس و در جوامع شرقی نیز، پوشش‌هایی مشابه حجاب مورد استفاده قرار می‌گرفت (دورانت، ۱۳۷۳). اطلاعات تاریخی، از اقوام مختلف و دوران گوناگون تاریخ، حاکی از آن است که حجاب و عفاف، مفاهیمی غنی، چندبعدی، و پویا بوده‌اند که فراتر از یک پوشش ساده، نمایانگر ارزش‌ها، اعتقادات و مناسبات اجتماعی گوناگونی بوده‌اند.

۴. بررسی دو دیدگاه متفاوت در مورد حجاب: حجاب ابزاری برای

تکریم زنان یا ابزاری برای تزیین آنان

در میان رویکردهای مختلف به حجاب، دو دیدگاه برجسته وجود دارد: حجاب به عنوان ابزار تکریم زنان و حجاب به عنوان ابزار تزیین زنان. دیدگاه اول به حجاب به عنوان مظهری از عزت نفس و تکریم شأن زنانه نگاه می‌کند، جایی که توجه به حیا بر فریبندگی ظاهری ترجیح داده می‌شود. در مقابل، حجاب به عنوان ابزار تزیین، حکایت از این است که چگونه زنان مسلمان

می‌توانند حجاب را با رویکردهای مدرن مد و زیبایی ادغام کنند. از این منظر، حجاب نه فقط یک الزام دینی، بلکه یک سبک پوشش است که زنان می‌توانند از طریق آن هویت و سبک شخصی خود را به نمایش بگذارند.

■ حجاب به عنوان ابزار تکریم زنان:

حجاب در این نگرش، یک امر دینی و اخلاقی است که برای حفظ کرامت و عفاف زنان در نظر گرفته شده است. در این دیدگاه حجاب به عنوان بخشی از فرهنگ اسلامی درک می‌شود که به زنان امکان می‌دهد تا بدون ترس از سوءاستفاده و نگاه‌های نامناسب، امنیت بیشتری داشته باشند و به فعالیت‌های اجتماعی خود پردازند.

البته باید به این موضوع اشاره کرد که صرف نظر از نگاه تکریمی دین به حجاب برای زنان، از آثار تاریخی و متون مختلف مشخص است که حجاب یک واقعیت فرهنگی و تمدنی در جهت تکریم زنان بوده است و در طول تاریخ، تحولات مختلفی را تجربه کرده است. کاوش‌های تاریخی از اعصار گذشته مانند یافتن تندیس‌ها، نقاشی‌ها، نقوش ظروف و سکه‌ها و... ثابت می‌کند که بشر همیشه از نوعی پوشش برای پوشاندن اعضای بدن خود استفاده می‌کرده است (ترنویل کاکس، ۱۳۹۷). همان‌طور که در بالا نیز ذکر گردید، حضور حجاب در فرهنگ‌ها و ملل مختلف نشان می‌دهد که این مفهوم به گونه‌ای گسترده است که به یک ملت یا دین خاص مرتبط نیست و در واقع بخشی از فطرت وجودی انسان است. شایان ذکر است که شواهد تاریخی همواره نشان داده‌اند که یکی از ابزارهای مهم برای احترام و تکریم زنان خانواده‌های اصیل استفاده از پوشش‌های بیشتر و به اصطلاح حجاب کاملتر آنها نسبت به زنان دیگر، در بیرون از خانه‌هایشان بوده است. ویل دورانت در این باره می‌نویسد: بلندی لباس‌های بانوان اصیل اروپایی تا روی پاها می‌رسید. زنان اشراف به ندرت در انظار عمومی ظاهر می‌شدند. در اروپا مرد و زن از پیراهن با آستین‌های بلند استفاده می‌کردند که کاملاً بدن را می‌پوشاند. لباس‌های مردان کوتاه ولی لباس‌های زنان خصوصاً بانوان اصیل اروپایی چندلایه و بلند تا روی زمین بود. مردان کلاه و زنان روسری می‌پوشیدند که مو، سر و شانه را می‌پوشاند (دورانت، ۱۳۳۷).

رهبر معظم انقلاب در خصوص حقیقت حجاب و اینکه حجاب در واقع ابزاری برای تکریم زنان است، بیاناتی دارند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌گردد: "در جامعه اسلامی زن مسلمان دارای حرمت و شخصیتی ویژه است که حجاب و پوشش زن مظهر حرمت و شخصیت وی بشمار می‌رود. حجاب نشانه تکریم زن است و اسلام حرمت و تکریم را برای تمام زنانی که در ورای حجاب قرار می‌گیرند قائل می‌شود" (بیانات رهبری، ۱۳۷۲). "حجاب، تکریم آن کسی است که در حجاب است. حجاب زن، تکریم زن است. در بیشتر کشورها - حالا من «بیشتر» که می‌گویم، چون همه را اطلاع ندارم - در گذشته، در قدیم، در همین اروپا تا دویست سیصد سال پیش زنهای اعیان و اشراف حجابی روی صورتشان می‌انداختند؛ در بعضی از فیلمهای قدیمی شاید دیده باشید. یک حجاب می‌انداختند که چشم‌ها به روی آنها نیفتد. این، تکریم است. در ایران باستانی زنهای اعیان و اشراف و رؤسا همه باحجاب بودند؛ زنهای افراد پائین و طبقات پست، نه، بیحجاب هم می‌آمدند؛ مانعی هم نبود. اسلام آمد این تبعیض را گذاشت کنار، گفت نخیر، زن باید باحجاب باشد؛ یعنی این تکریم مال همه‌ی زنان است (بیانات رهبری، ۱۳۸۶)".

دو نکته حائز اهمیت در این بیانات وجود دارد: اول تأکید بر وجود حجاب در قرون گذشته در دنیا و تکریم زن به واسطه حجاب در آن دوران است و دوم برداشتن تبعیض میان زنان اشراف و زنان از طبقات پایین. که دومین نکته ریشه در کرامت بخشی به زن در نگاه توحیدی اسلام دارد. مبارزه با نوعی طبقه بندی در بین زنان یک جامعه و برداشتن تبعیض میان آنان تا آنجا که همه زنان از این ابزار تکریم برخوردار شوند. چرا که جامعه‌ی توحیدی، یک جامعه بی طبقه است. یک جامعه‌ای که گروه‌های انسان‌ها در آن جامعه از یکدیگر برحسب حقوق و مزایا جدا نشده‌اند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲).

■ حجاب به عنوان ابزار تزیین زنان:

دیدگاه دوم که حجاب را علاوه بر پوشش به عنوان ابزاری برای زیباسازی زن می‌نگرد، به این موضوع می‌پردازد که چگونه زنان مسلمان می‌توانند حجاب را با رویکردهای مدرن مد و زیبایی ادغام کنند. از این منظر، حجاب نه فقط یک الزام دینی، بلکه انتخاب یک استایل (سبک) است که زنان می‌توانند از طریق آن هویت و سبک شخصی خود را به نمایش بگذارند.

در واقع، بعضی افراد حجاب را به عنوان بخشی از مد و فشن مدرن دنیای امروز مطرح می‌کنند، که در آن زنان مسلمان توانایی دارند تا ضمن رعایت اصول دینی و فرهنگی خود، حضوری مدرن و جذاب در جامعه داشته باشند (Puspitasari and Dolah, 2018). در این نگرش، حجاب دیگر صرفاً وسیله‌ای برای پوشاندن نیست. طراحان مد اسلامی مختلفی، به خلق حجاب‌ها و لباس‌هایی پرداخته‌اند که تلفیقی از مدرنیته و سنت است و شامل عناصر طراحی خاص، رنگ‌ها، نقش‌های چاپی و سبک‌های پوشش متنوع باشد. "حجاب استایل" نیز با توجه به تعریفی که از آن گردید، در این نگرش به حجاب قرار می‌گیرد. با این حال، این دیدگاه می‌تواند مورد نقد قرار گیرد زیرا تأکید بیش از حد بر جنبه تزئینی و ظاهری حجاب ممکن است با هدف اصلی و فلسفه حجاب که عفاف و حیا است در تناقض باشد.

■ بحث و بررسی این دو دیدگاه

استدلال‌ها پیرامون حجاب به مثابه تکریم زنان بر این نکته تأکید دارند که حجاب فراتر از یک عنصر صرفاً دینی یا فرهنگی است و به عنوان یک انتخاب آگاهانه برای نشان دادن احترام به خود و عفت شخصی عمل می‌کند. این دیدگاه حجاب را به عنوان یک امر سازمان‌دهی کننده‌ی اجتماعی نیز می‌بیند که در آن زنان نه تنها مشارکت فعال در جامعه را حفظ می‌کنند، بلکه در مقابل انواع استفاده‌های تجاری و فرهنگی از زن، استقلال و امنیت خود را حفظ می‌کنند.

از دیدگاه موافقان تکریم، حجاب، این امکان را برای زنان فراهم می‌کند تا بدون تأثیرپذیری از نگاه‌های مادی جامعه مدرن، ارزش‌های شخصی و دینی خود را حفظ نمایند. این دیدگاه، حجاب را به مثابه یک انتخاب آزادانه و قدرتمند معرفی می‌کند و در مقابل تصویرسازی‌های متداول از زنان در رسانه‌ها و جامعه که غالباً با معیارهای زیبایی‌شناسی سطحی همراه است، قاطعیت به خرج می‌دهند. در واقع این دیدگاه مؤکد بر این است که حجاب به منزله‌ی حافظ ارزش‌های اسلامی و شأن و مقام زن در جامعه است.

از دیدگاه موافقان تزئینی بودن حجاب علاوه بر پوشش بودن آن، حجاب می‌تواند به عنوان ابزاری برای بیان هویت فردی مورد استفاده قرار گیرد. زنان می‌توانند از رنگ‌ها، طرح‌ها، سبک‌ها و مواد متنوع برای نشان دادن شخصیت، دیدگاه‌ها یا حتی اعتقادات خود بهره ببرند. در این

دیدگاه حجاب به عنصری از مد و فشن تبدیل شده است. هم‌اکنون بسیاری از برندها و طراحان، خطوط ویژه‌ای از لباس‌های حجاب‌دار را عرضه می‌کنند که زیبایی و تزئین را با رعایت اصول مذهبی تلفیق می‌نمایند.

پدیده "حجاب استایل" به عنوان گونه‌ای از نگاه به حجاب به عنوان امر تزئینی، یکی از مسائلی است که در جامعه اسلامی بروز یافته است و سبب واکنش‌ها و نگرانی‌هایی در جامعه ما شده است. این نگرانی‌ها بیشتر به جنبه‌های انحرافی از مفهوم اصلی حجاب، تأثیرات و آسیب‌های آن در زندگی زناشویی و خانوادگی، و همچنین تمرکز آن بر مصرف‌گرایی و نگاه ابزاری به حجاب مربوط می‌شوند. نکته مهم در این رابطه این است که مبنای حجاب یعنی در چشم نبودن، در حالی که حجاب استایل‌ها دقیقاً بر خلاف این مفهوم عمل می‌کنند. اساس حجاب استایل یعنی خودظاهر کردن و جلوه‌گری که یک پارادوکس شدید نسبت به حیا، که لازمه‌ی حجاب است، ایجاد می‌کند.

حجاب واقعی فراتر از یک پوشش ظاهری است و باید نمایانگر یک سطح عمیق‌تر از تعالیم دینی باشد که نه تنها جسم را می‌پوشاند بلکه به شخص حیا و حفظ کرامت شخصی را نیز آموزش می‌دهد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در سخنی به کافی نبودن پوشش به تنهایی، اشاره کرده و می‌فرماید: نابود شدن زنان امت من در دو چیز است؛ یکی طلا و دیگری لباس‌های نازک و بدن‌نما (دیلمی، ۱۴۱۲). شهید مطهری (ره) در مسئله حجاب، بصورت دقیق حجاب را تعریف می‌کند. از نظر ایشان، پوشش زن در اسلام یعنی این که در معاشرت خود با مردان، بدنش را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. شهید مطهری (ره) چهار اصل بر سه محور اجتماعی، فردی و خانوادگی برای فلسفه حجاب مطرح کرده و می‌گوید: حجاب آرامش روانی می‌آورد، موجب حفظ ارزش و بالا بردن زن می‌شود، باعث استحکام پیوند خانواده شده و استواری اجتماع را چند برابر می‌کند (مطهری، ۱۳۹۶).

با توجه به ماهیت حجاب و کارکرد اصلی‌ای که برای زنان دارد، تناقضی که ماهیت حجاب استایل در جامعه در مفهوم و حقیقت حجاب ایجاد می‌کند، روشن می‌گردد. حجاب استایل‌ها که محل اصلی فعالیت آنها فضای مجازی می‌باشد، با تأثیرگذاری ناخودآگاه بر سلیقه‌ها، استانداردهای پوشش را تغییر داده، به طوری که زندگی بسیاری افراد، رنگ و بوی صفحات

مجازی را به خود می‌گیرد. برخی زنان محجبه نیز بیش از پیش درگیر ست کردن و هماهنگی بیش از اندازه‌ی اقلام پوششی می‌شوند که این امر، دغدغه‌های کاذبی را در زندگی روزمره‌شان ایجاد می‌کند. به عنوان مثال دائم خود را با عکسها و فیلم‌های حجاب‌استایل‌ها که اکثراً با فیلتر به نمایش گذاشته می‌شوند؛ مقایسه کرده و چون ممکن است احساس زیبایی‌ای را که توقع دارند، نداشته باشند، دچار خودکم‌بینی شده و اعتماد به‌نفس خود را از دست می‌دهند. مرزهای حجاب در این سبک از پوشش به مرور کم‌رنگ شده و حتی به عادی‌سازی نقض برخی احکام شرعی نیز منتهی می‌شود. این استایل‌ها با عفاف و حیا که اساس حجاب‌اند، ناسازگاری داشته و زن را به سمت تظاهر و جلب توجه سوق می‌دهند که در تناقض با فلسفه اصلی حجاب و کرامت زن در اسلام است.

۵. تأثیر مصرف‌گرایی و تجاری‌سازی بر تلقی از حجاب و عفاف

مصرف‌گرایی و تجاری‌سازی می‌توانند تأثیرات قابل توجهی بر تلقی از حجاب و عفاف داشته باشند. در زمانه‌ای که مصرف و تجارت به عنوان عناصر اصلی فرهنگ جامعه شناخته می‌شوند، نمادها و نشانه‌های فرهنگی نیز به شکلی تجاری‌سازی می‌شوند و به عنوان کالاهایی عرضه می‌شوند. در این روند، گاهی حجاب و عفاف نیز به عنوان یک نماد فرهنگی و مذهبی به صورت تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرند.

یکی از تأثیرات مصرف‌گرایی و تجاری‌سازی بر تلقی از حجاب و عفاف، تغییر در مفهوم و معنای اصلی آنها است. به عنوان مثال، در برخی موارد، حجاب به عنوان یک عنصر مذهبی و اخلاقی که بر اساس ارزش‌های دینی و اجتماعی تعریف می‌شود، به یک مد و فشن تبدیل می‌شود که به عنوان یک روند مصرفی و تجاری ترویج می‌شود. در این موارد، اصل محافظت از حجاب و عفاف به عنوان یک ارزش مذهبی و اخلاقی به طرزی دستخوش تغییر می‌شود و به جای آن، توجه به ظاهر و استایل به مرکز توجه قرار می‌گیرد. علاوه بر این، تجارت مرتبط با حجاب و عفاف می‌تواند به تبلیغات و بازاریابی این مفاهیم منجر شود. شرکت‌های مد، برندهای پوشاک و لوازم آرایشی، ممکن است از تصاویر حجایی و مفاهیم عفاف استفاده کنند تا محصولات خود را تبلیغ کرده و به فروش برسانند. این ممکن است باعث شود که تلقی از حجاب و عفاف به عنوان یک مسئله مذهبی و اخلاقی به یک مسئله مرتبط با مد و فشن و مصرف تبدیل شود.

مهم است به این نکته توجه کنیم که تأثیرات مصرف‌گرایی و تجاری‌سازی بر تلقی از حجاب و عفاف باعث تغییر در دیدگاه‌ها و نگرش‌ها نسبت به این مفاهیم می‌شود. بعضی افراد ممکن است این تغییرات را مثبت ببینند و آنها را به عنوان یک فرصت برای تجدید نظر در حجاب و عفاف در نظر بگیرند، در حالی که برخی دیگر ممکن است این تغییرات را منفی دیده و اعتقاد داشته باشند که مصرف‌گرایی و تجاری‌سازی می‌توانند به فراموشی اصول و ارزش‌های دینی و اخلاقی منجر شوند.

در حقیقت مصرف‌گرایی و تجاری‌سازی تغییراتی در مفهوم و معنای حجاب و عفاف به وجود می‌آورند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

۱) تغییر در تمرکز: با تجاری‌سازی و مصرف‌گرایی، تمرکز از ارزش‌های دینی و اخلاقی به ظاهر و استایل افراد منتقل می‌شود. به عبارت دیگر، حجاب و عفاف به عنوان نمادهای مذهبی و اجتماعی که بر اساس معانی عمیق و ارزش‌های خاصی تعریف می‌شوند، به یک مد و فشن تبدیل می‌گردد که در آن به ظاهر افراد بیشتر توجه می‌شود.

۲) تغییر در مفهوم: تجارت و تبلیغات مرتبط با حجاب و عفاف ممکن است باعث تغییر در مفهوم اصلی آنها شود. به عنوان مثال، حجاب که در اصل به معنای پوشش محافظت‌کننده و حفظ عفاف تعریف می‌شود، ممکن است به مفهوم تنوع و آزادی در استایل و پوشش تبدیل گردد.

۳) تغییر در تصویرسازی: تجارت و تبلیغات ممکن است با استفاده از تصاویر و نشانه‌های مختلف، تصویری جدید از حجاب و عفاف را ارائه دهند. این تصویرسازی ممکن است شامل استفاده از مدل‌ها و سلبریتی‌ها، تغییر در رنگ و طرح‌های لباس‌های حجابی و استفاده از تکنیک‌های تبلیغاتی جدید باشد.

۴) تغییر در نگرش جامعه: تجاری‌سازی و مصرف‌گرایی ممکن است به تغییر نگرش جامعه نسبت به حجاب و عفاف منجر شوند. این تغییر می‌تواند عناصر عفاف و حیا در حجاب را در نگرش عمومی جامعه به مرور کم رنگ کند و از اهمیت آن بکاهد.

چالش‌های تجاری‌سازی و نگاه مصرف‌گرایانه به حجاب، تأکید بر ظاهر و نادیده گرفتن ابعاد عمیق‌تر فرهنگی و دینی، باید مورد توجه نخبگان فرهنگی کشور قرار گرفته و راهکارهایی برای حل آنها ارائه گردد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش به بررسی دو دیدگاه متمایز درباره پدیده حجاب استایل پرداخته است. اینکه آیا حجاب استایل به عنوان ابزاری برای تکریم زنان عمل می‌کند یا به مثابه‌ی ابزاری برای جلوه‌گری و تزئین آن‌ها در نظر گرفته می‌شود؟ پدیده حجاب استایل موضوعی است که گرچه نگرانی‌های زیادی را در برخی بسترهای فرهنگی جامعه ایجاد کرده و این نگرانی‌ها معمولاً در قالب مقالاتی در روزنامه‌ها بروز و ظهور داشته‌اند، اما تا کنون مطالعه نظام‌مندی درباره آن در قالب مقالات علمی پژوهشی صورت نگرفته است. در این پژوهش سعی بر این شد که به واژه حجاب استایل به عنوان مفهوم پرکاربرد این روزها در حوزه حجاب، پرداخته شود و تبیینی بر معنا و نقش آن در جامعه ارائه گردد.

بر اساس تحلیل‌ها و بررسی‌های انجام شده در این مقاله، به نظر می‌رسد که پدیده حجاب استایل در عمل به ابزاری برای تزئین و تبدیل زنان به موجوداتی جلوه‌گر در جامعه تبدیل گردیده است. این پدیده، که به ظاهر با اهداف مثبت ارتقاء استقلال و اعتماد به نفس زنان مطرح می‌شود، در نهایت در بستری از مصرف‌گرایی رشد یافته و مفاهیم عفاف و حیا را تحت تأثیر قرار داده است. تأکید بیش از حد بر استایل و زیبایی در حجاب، نه تنها آن را از اصول دینی و فرهنگی تهی نموده، بلکه زنان را در جهت نمایش خود سوق داده و به تقویت سازواره‌های جنسیتی که از زنان به عنوان آرایش‌های اجتماعی یاد می‌کنند، دامن زده است. بازارهای مدرن و استراتژی‌های تبلیغاتی تأثیر عمده‌ای بر نحوه پوشش مردم دارند و حجاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. تجاری‌سازی حجاب به لحاظ تاریخی حاکی از تغییر در تلقی از حجاب است. حجاب که به عنوان نمادی از عفاف و حیا و تکریم زنان است، امروزه توسط عده‌ای به عنصری از مد تبدیل شده است. موج‌های جدیدی از انواع حجاب و پوشش که با تنوع بالایی از رنگ‌ها، بافت‌ها و سبک‌ها عرضه می‌شوند، اثری از تجاری‌سازی مد و فشن در میان جوامع مسلمان است. استفاده از

تبلیغات برای جذب مشتری در جامعه مسلمان، افزایش تنوع و تخصصی‌سازی محصولات مرتبط با حجاب و پوشاک اسلامی را به همراه داشته است. تجاری‌سازی حجاب یک بعد اقتصادی قدرتمند برای شرکت‌هایی است که در این حوزه فعالیت می‌کنند و تبدیل به بازاری سودآور برای آنها شده است. لذا مفهوم حجاب در برخی موارد از یک رفتار دینی به نمایی از مد و زیبایی تغییر یافته که ارزش‌های اصیل حجاب و عفاف در آن کمرنگ شده و به یک امر زودگذر و سطحی تبدیل شده است.

این پژوهش تأکید می‌کند که حجاب و عفاف باید در قالب هویت و سبک زندگی اسلامی، و نه به عنوان یک کالای مصرفی مورد توجه قرار گیرد. لازم است بازنگری و تأملی عمیق‌تر در راستای حفاظت از ابعاد اصیل و کیفی حجاب و عفاف، در سطح فردی و اجتماعی، به عمل آید. بنابراین، وظایفی نیز بر دوش جامعه‌ی علمی، فرهنگی و دینی نهاده می‌شود که بایستی با آموزش، تنظیم سیاست‌ها و ارتقای آگاهی‌های عمومی، به حفظ هویت فرهنگی و دینی در برابر چالش‌های نوظهور بپردازند. این امر مستلزم تأکید بر آموزش‌هایی است که تفاوت میان حجاب و عفاف به مثابه ابزارهای تکریمی و مراتب عالی اخلاق، در مقابل تصورات تزیینی و مصرفی را روشن سازد، و از طرفی، بسترهایی را فراهم آورد که امکان بروز و ظهور مدل‌هایی از حجاب را ممکن سازد که هم با ارزش‌های دینی و فرهنگی سازگار باشد و هم به نیازهای زنان در دنیای معاصر پاسخ دهد. فزون بر این، تبلیغات و رسانه‌ها نیز باید مسئولیت‌پذیر باشند تا از تحریف یا اشاعه تصویری سطحی از حجاب که ممکن است به تقلیل ارزش‌های دینی و فرهنگی بینجامد، جلوگیری کنند. پایان این نوشتار می‌تواند نقطه آغازی برای مشارکت گسترده‌تر در این گفت‌وگو فرهنگی باشد؛ مشارکتی که در آن تلاش گردد میان آرمان و واقعیت، عرف و سنت، فرد و جامعه، تعادل دقیق و معناداری برقرار سازد و در عین حال، حراست از هویت فرهنگی به‌نحوی مؤثر صورت گیرد.

در کشور عزیز ما ایران، که مبنای ایجاد و طراحی تمدن نوین اسلامی بر اساس "ارزش‌های اسلامی" است، روی درگیری تمدنی جریان غرب، با ارزش‌های تمدن نوین اسلامی می‌باشد. یکی از زمینه‌های مهم این نبرد تمدنی، تغییر فرهنگی در پوشش، به سبک مدنظر جریان جهانی سازی غرب می‌باشد. حجاب در حکمرانی نوین اسلامی بار معنایی وسیعی را

در خود جای داده و در واقع به نماد اسلامی و شاخص زن مسلمان از دیگر زنان بدل گردیده است. از این رو بی‌حجابی یا حجاب‌سازی برای زنان مسلمان به منظور کم‌رنگ کردن فلسفه حجاب و عفاف به عنوان یکی از اهداف جریان لیبرال غربی در دستور کار آنها قرار گرفته است. در پژوهش‌های آتی سعی داریم صحنه نبرد تمدنی جریان لیبرالیسم جهانی با تمدن نوین اسلامی در عرصه حجاب و عفاف را تشریح کنیم. موشکافی تأثیرات "حجاب‌سازی" از نوع "حجاب استایل" توسط جریان غرب بر روند تحقق تمدن نوین اسلامی از دیگر اهداف پیش روی تحقیقات ما می‌باشد. درک چگونگی تأثیر حجاب استایل به عنوان ابزاری در دستان جریان جهانی لیبرال بر هویت شخصی و اجتماعی زنان مسلمان موضوعی است که در مطالعات آینده مورد توجه قرار خواهد گرفت. امید است این پژوهش به تولید گفتمانی متعادل در مورد حجاب و عفاف در جامعه‌ی معاصر کمک کند و زمینه‌ساز آن شود که مفاهیم حجاب و عفاف به عنوان بخشی از سنت‌های ریشه‌دار مذهبی، فرهنگی و اجتماعی، در کنار تجدد و تکنولوژی‌های نوین، با حفظ اصالت و کارکرد اصلی‌شان به کار گرفته شوند.

فهرست منابع

- The Holy Quran.(in Persian)
- Ibn Saad, Abu Abdulla Muhammad bin Saad bin Muni al-Hashimi, Al-Hawqiq: Ihsan, Abbas, (1968), Tabaqat al-Kubara, Dar Sadir, vol. 1, p. 70.(in Persian)
- Ibn Faris, Abu al-Hussein, (1979), Mujam al-Maqayis al-Laghga, Dar al-Fikr, vol. 1, p. 238.(in Persian)
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram, (1414), Lisan al-Arab, Dar Sader, third edition, vol. 1, p. 298, Beirut.(in Persian)
- Ijtihadi, Mustafa, (2003), Encyclopedia of Iranian Women, Great Persian Encyclopedia Foundation, Tehran.(in Persian)
- Erbali, Ali Ibn Isa, researcher/corrector: Rasouli Mahalati, Seyyed Hashem, Bani Hashemi Publishing House, (1381), Kafsh al-Ghamma fi Marafah al-Imam, vol. 1, p. 571.(in Persian)
- The Gospel, 1 Peter, Chapter 3, paragraphs 1-6. (in Persian)
- Turnerville Cox, Ruth, Bozorgmehr, Shirin, (2018), 5000 Years of Clothing for Women and Men of the World, Toos Publishing, Tehran. (in Persian)
- Tamimi Amadi, Abd al-Wahed bin Muhammad, researcher / proofreader: Rajai, Seyyed Mahdi, (1410), Gharr al-Hakam wa Darr al-Kalam, Dar al-Kitab al-Islami, p. 193. (in Persian)
- Torah, Genesis, Chapter 24, verses 64 and 65. (in Persian)
- Jamalizadeh, Ahmad, (2010), Women's Clothing in Pre-Islamic Iran, Iranian Studies, No. 17. (in Persian)
- Hosseini Khamenei, Seyyed Ali, (2013), Outline of Islamic Thought in the Quran, Sahba, p. 210. (in Persian)
- Durant, William James, translated by Aram, Ahmad, (1958), History of Civilization, Iqbal, Vol. 7. (in Persian)
- Durant, William James, translated by Taheri and others, (1994), History of Civilization, Publications and Education of the Islamic Revolution, Vol. 4. (in Persian)
- Daylami, Hasan bin Abi al-Hasan bin Muhammad, (1412), Irshad al-Qulub, Razi, Vol. 1, p. 183. (in Persian)
- Zabihi, Masoumeh, Mousavi, Zohreh Sadat, (2007), The Commonality of Hijab in Abrahamic Religions, Strategic Studies of Women, No. 36, p. 148. (in Persian)
- Zuhaili, Wahba, (1989), Islamic Jurisprudence, Dar al-Fikr, Vol. 9, p. 6852. (in Persian)
- Tarih, Fakhruddin, (1996), Majma' al-Bahrayn, T. al-Husseini, vol. 2, p. 276. (in Persian)
- Ali, Javad, (1422), al-Mufsal fi Tarikh al-Arab before Islam, Dar al-Saqi, vol. 9, p. 47. (in Persian)
- Gharavi Naini, Nahleh and Ameri, Vahideh, (2007), A dynamic in the meaning and concept of hijab, Strategic Studies of Women. (in Persian)

- Faiz Kashani, Mohammad Mohsen bin Shah Mortaza, researcher/corrector: Alami, Hussein, (1415), Tafsir al-Safi, Al-Sadr Library, vol. 3, p. 430. (in Persian)
- Kilini, Muhammad bin Yaqub, researcher/corrector: Ghafari, Ali Akbar, Akhundi Muhammad, (1407), Al-Kafi, Dar al-Kitab Islami, vol. 5, p. 112. (in Persian)
- Motahari, Morteza, (2017), The issue of hijab, Sadra. (in Persian)
- Makarem Shirazi, Nasser, (1371), Tafsir al-Mushon, Dar al-Kutub al-Islami, 10th edition, vol. 14, p. 440, Tehran. (in Persian)
- Makarem Shirazi, Nasser, (1374), Tafsir al-Nashon, Dar al-Kutub al-Islamiya, 32nd edition, vol. 17, p. 402, Tehran. (in Persian)
- Menachem, M., Breyer, (1986), Jewish Women in Rabbinic Literature, Publishing House, p. 139. (in Persian)
- Mousavi, Seyyed Qasem, (2009), A look at the historical course of women's hijab in Iranian culture (from ancient times to the Qajar era), Quarterly Journal of Culture, No. 70, pp. 298 and 299. (in Persian)
- Puspitasari, C., & Dolah, J. (2018). The analysis of integration between hijab concept and fashion in Indonesia. In 3rd International Conference on Creative Media, Design and Technology (REKA 2018) (pp. 325-328). Atlantis Press.
- Davis, F. (1994). Fashion, culture, and identity. University of Chicago Press.
- Yen, T. S., Lee, G. P., & Tajudin, B. D. B. A. (2018). A CONCEPTUAL PAPER ON MODEST WEAR FOR MALAYSIA MUSLIM WOMEN IN CONTEMPORARY HIJAB FASHION. Journal of Islamic, 3(8), 41-49.
- Oxford Languages, <https://languages.oup.com/google-dictionary-en/>
- بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد - ۱۳۸۶/۱۰/۱۳
- <https://farsi.khamenei.ir/newspart-print?tid=1268>
- بیانات دیدار جمعی از بانوان با رهبر انقلاب - ۱۳۷۲/۰۹/۱۷
- <https://farsi.khamenei.ir/newspart-print?tid=1268>
- <https://makarem.ir/maaref/1/0419145>
- <https://makarem.ir/maaref/1/0419141>
- isna.ir/xdQnHW
- <https://www.pishkhan.com/news/304183>
- <https://irna.ir/xjNHdM>
- <https://makarem.ir/maaref/fa/article/index/418382/>
- <https://kamapress.com/%D8%AD%D8%AC%D8%A7%D8%A8-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%DB%8C%D9%84-%DA%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA%D8%9F/>
- <https://www.magiran.com/article/4461408>

